



## قابلیت اعمال حق شرط نسبت به کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای و راهبرد جمهوری اسلامی ایران

صالح رضایی پیش‌رباط\*، هاشم زعفرانی

پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران، صندوق پستی: ۱۳۳۹-۱۴۱۵۵، تهران - ایران

**چکیده:** کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای رویکرد واحدی در خصوص قابلیت اعمال حق شرط نسبت به مقررات خود اتخاذ نکرده‌اند. برخی از این کنوانسیون‌ها اعمال شرط نسبت به مقررات خود را به توافق تمامی طرف‌ها منوط کرده‌اند. این در حالی است که برخی دیگر یا سکوت کرده یا اعمال حق شرط را نسبت به مقررات خاصی اجازه دادند. جمهوری اسلامی ایران تاکنون (۱۳۹۶) به عضویت این کنوانسیون‌ها در نیامده است و بنابراین بررسی مقررات کنوانسیون‌های مذکور راجع به حق شرط می‌تواند، در صورت تصمصیم کشور مبنی بر الحاق به آن‌ها، روشنگرانه باشد. نگارندگان این مقاله بر این نظر است، چنانچه اعمال حق شرط نسبت به مقررات این کنوانسیون‌ها به لحاظ حقوقی ممکن باشد، ضروری است در صورت تصمصیم به الحاق، آن بخش از مقررات کنوانسیون‌های مذکور که اعمال آن‌ها می‌تواند در تغایر با منافع ملی و الزامات حقوقی کشور باشد مورد تحفظ قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** حق شرط، کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای، کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات

## Applicability of Reservation to the Conventions On Nuclear Civil Liability and Strategy of Islamic Republic of Iran

S.R. Pishrobat\*, H. Zaferani

Nuclear Science and Technology Research Institute, AEOL, P.O.Box: 14155-1339, Tehran-Iran

**Abstract:** Conventions on civil liability for nuclear damage have not adopted similar approach towards applicability of reservations to their own regulations. Some of these conventions subjected reservations to unanimous consent of all parties. While the others are either silent on applicability of reservations or allowed applicability only to the certain regulations. So far, Islamic Republic of Iran has not acceded to these conventions. Therefore study of applicability of reservations to these conventions may provide some clarification for decision makers in the case of decision of country to accede these conventions. Authors of this article hold that, if country reach to the decision that to accede to the conventions, it is required, according to provisions of the conventions and rules of law of treaties, make reservations to those regulations of these conventions that may be contrary to national interest and constitutional requirements of the country.

**Keywords:** Reservation, Conventions on Nuclear Civil Liability, Vienna Convention on Law of Treaties

\*email: Srezaie\_p@yahoo.com



## ۱. مقدمه

کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات<sup>(۱)</sup> (۱۹۶۹)، حق شرط<sup>(۲)</sup> (نسبت به معاهدات) را این گونه تعریف کرده است: «اصطلاح حق شرط بر اعلامیه‌ی یک جانبه‌ای اطلاق می‌شود که هر دولت تحت هر نام و به هر عبارت به وقت امضا، تصویب، قبولی، تأیید معاهده یا الحاق به آن صادر و با آن اعلام کند که اثر حقوقی بعضی مقررات معاهده، در اجرای معاهده نسبت به خود، نمی‌پذیرد یا آن را تغییر می‌دهد» [۱]. در سال ۱۹۸۶ کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا میان سازمان‌های بین‌المللی همین تعریف را در مقررات خود تکرار کرد [۲]. هر چند که کنوانسیون وین ۱۹۶۹، حق شرط را نسبت به مطلق معاهدات (اعم از دو یا چند جانبه) پیش‌بینی کرده است، اما قابلیت اعمال حق شرط در عمل فقط در مورد معاهدات چند جانبه ممکن است و نسبت به معاهدات دو جانبه نمی‌توان حق شرط اعمال کرد [۳]. حق شرط با اعلامیه‌ی تفسیری (نسبت به معاهدات) تفاوت دارد. در اعلامیه‌ی تفسیری دولت پذیرنده معاهده‌ی برداشت خود را از مقررات آن معاهده اعلام می‌کند و آثار آن برخلاف حق شرط که حقوقی است، غیرحقوقی یا سیاسی است و به هنگام تفسیر معاهده به آن ارجاع می‌شود [۴].

اعمال حق شرط نسبت به معاهدات بین‌المللی موافقان و مخالفانی دارد. موافقان اعمال حق شرط معتقدند در صورتی که این امکان حقوقی به دولت‌ها داده شود که معاهده‌ای را به استثنای برخی مقررات آن بپذیرند، دولت‌های بیش‌تری به معاهدات بین‌المللی ملحق خواهند شد و این توسعه، اجرای قواعد حقوقی در جامعه‌ی بین‌المللی را تقویت خواهد کرد. در مقابل، مخالفان اعمال حق شرط استدلال کرده‌اند که اعطای اجازه‌ی اعمال حق شرط به دولت‌های پذیرنده‌ی معاهده‌ی بین‌المللی، منجر به از دست رفتن یکپارچگی معاهده خواهد شد [۵]. کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ راجع به حقوق معاهده با تأثیرپذیری از هر دو دیدگاه فوق، اصل را بر اختیار دولت‌ها در اعمال حق شرط بر معاهده قرار داده‌اند و اعمال آن را در سه مورد منع کرده‌اند. بر اساس این کنوانسیون‌ها، چنانچه معاهده‌ای اعمال حق شرط نسبت به خود را ممنوع کرده باشد، یا معاهده صرفاً اعمال حق شرط را نسبت به مقررات مشخصی اجازه داده باشد، در آن صورت اعمال حق شرط نسبت به مقررات معاهده‌ای که حق شرط را ممنوع

اعلام کرده به طور کلی و اعمال حق شرط نسبت به مقررات معاهده‌ای که فقط اعمال حق شرط نسبت به مقررات مشخصی را اجازه داده است به طور جزئی ممنوع خواهد شد، با این توضیح که در مورد معاهدات نوع اخیر، حق شرط فقط نسبت به آن مقررات مشخص مجاز بوده و نسبت به مابقی مقررات آن ممنوع خواهد بود. علاوه بر آن کنوانسیون‌های وین راجع به حقوق معاهدات اعلام کرده‌اند که به غیر از دو مورد مذکور، چنانچه اعمال حق شرط نسبت به معاهده‌ای با موضوع و هدف آن معاهده مغایرت داشته باشد، در آن صورت اعمال حق شرط به آن ممکن نخواهد شد [۶].

به طوری که پیداست کنوانسیون‌های وین حسب مورد قابلیت یا عدم قابلیت اعمال حق شرط نسب به معاهدات را پیش‌بینی کرده‌اند و این که به کدام معاهده می‌توان اعمال حق شرط کرد و به کدام یک نمی‌توان را به اراده‌ی تدوین‌کنندگان معاهده منوط کرده‌اند. اما این که کدام یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای قابل تحفظ و کدام یک غیرقابل تحفظ بوده و راهبرد جمهوری اسلامی ایران در این زمینه چگونه باید باشد، سؤالی است که این نوشتار به بررسی و ارزیابی پاسخ آن خواهد پرداخت.

## ۲. آشنایی اجمالی با کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای

لزوم تدوین و تصویب کنوانسیون بین‌المللی راجع به مسئولیت هسته‌ای ابتدا در سطح غیرجهانی و در میان کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی<sup>(۳)</sup> احساس و مطرح شد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی<sup>(۴)</sup> تصویب چنین کنوانسیونی را در سطح جهانی (با این مفهوم که تمامی دولت‌ها بتوانند به عضویت آن در آینده) در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ در دستور کار خود قرار داد و کمیته‌ی مشخصی را به ریاست پل روگر<sup>(۵)</sup> برای تهیه‌ی مقدمات آن تشکیل داد [۷]. تاکنون به همت دو سازمان فوق شش کنوانسیون بین‌المللی راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارات هسته‌ای تدوین و تصویب شده است که بر حسب ترتیب تاریخی تصویب به قرار ذیل هستند:



### ۳.۲ کنوانسیون تکمیل کنوانسیون پاریس راجع به مسئولیت شخص

#### ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای

این کنوانسیون<sup>(۱۰)</sup> در سال ۱۹۶۳ و به همت آژانس انرژی هسته‌ای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در شهر بروکسل منعقد و در سال ۱۹۷۴ لازم‌الاجرا شد. کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۳ تاکنون سه‌بار به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۴، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ اصلاح شده است. هدف این کنوانسیون الزام دولت‌های عضو کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ به فراهم آوردن منابع مالی بیش‌تر برای جبران زیان دیدگان حوادث هسته‌ای از طریق تشکیل یک صندوق بین‌المللی است. تاکنون (۱۳۹۶) ۱۴ دولت به عضویت این کنوانسیون درآمده است [۱۰].

### ۴.۲ کنوانسیون راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای

این کنوانسیون<sup>(۱۱)</sup> در می ۱۹۶۳ به همت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تدوین شد. مقررات کنوانسیون وین ۱۹۶۳، تقریباً تکرار مقررات و اصول کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس است. کنوانسیون وین ۱۹۶۳ که در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۷ اجرایی شد در سال ۱۹۹۷ طی پروتکلی در وین اصلاح گردید. افزایش میزان مسئولیت مالی بهره‌بردار در قبال خسارت هسته‌ای از جمله اصلاحات آن بوده است. تاکنون (۱۳۹۶)، ۴۰ دولت به عضویت کنوانسیون وین ۱۹۶۳ و ۱۲ دولت به عضویت پروتکل اصلاحی آن درآمده است [۱۱].

### ۵.۲ کنوانسیون مسئولیت مدنی در زمینه‌ی حمل و نقل دریایی

#### ماده‌ی هسته‌ای

این کنوانسیون<sup>(۱۲)</sup> در سال ۱۹۷۱ و با تلاش و همکاری سازمان بین‌المللی دریایی<sup>(۱۳)</sup>، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آژانس انرژی هسته‌ای سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی منعقد، و در ۱۵ جولای ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون با این هدف تهیه و تصویب شد که مشکلات و تعارضات ناشی از اعمال همزمان بیش از یک کنوانسیون مسئولیت مدنی در حمل و نقل دریایی مواد هسته‌ای را برطرف کند [۱۲]. تاکنون (۱۳۹۶)، ۱۷ دولت مقررات این کنوانسیون را پذیرفته است.

### ۱.۲ کنوانسیون مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای

این کنوانسیون<sup>(۶)</sup>، در ۲۸ جولای ۱۹۶۰ در شهر پاریس منعقد و در آوریل ۱۹۶۸ اجرایی شد. کنوانسیون مسئولیت شخص ثالث در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای که به کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس نیز شهرت دارد، اولین معاهده‌ی بین‌المللی در مورد مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای محسوب می‌شود که با تلاش سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی و صرفاً در روابط میان دولت‌های عضو این سازمان تصویب شد. کنوانسیون پاریس به تصویب تمامی دولت‌های عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی (از جمله ایالات متحده‌ی آمریکا) نرسیده است و در حال حاضر (۱۳۹۶) تعداد اعضای آن هجده دولت است.

هماهنگ و متحدالشکل‌سازی قوانین ملی کشورها در زمینه‌ی مسئولیت مدنی هسته‌ای از جمله اهداف اصلی این کنوانسیون به شمار می‌آید. مسئولیت انحصاری<sup>(۷)</sup> و بدون تقصیر بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای<sup>(۸)</sup> در قبال خسارت هسته‌ای، مسئولیت مالی و زمانی محدود و بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای اصولی است که کنوانسیون پاریس برای حصول به هدف خود مقرر کرده است. تاکنون (۱۳۹۶)، مقررات این کنوانسیون سه بار به ترتیب در ۱۹۶۴، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ بازنگری و اصلاح شده است.

### ۲.۲ کنوانسیون مسئولیت بهره‌برداران کشتی‌های هسته‌ای

این کنوانسیون<sup>(۹)</sup> در سال ۱۹۶۲ و با تلاش مشترک آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان بین‌المللی دریایی در شهر بروکسل منعقد شد [۸]. به رغم گذشت بیش از نیم قرن از زمان انعقاد آن، این کنوانسیون هنوز به مرحله‌ی اجرایی وارد نشده است. مخالفت ایالات متحده‌ی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق با تسری مقررات کنوانسیون به کشتی‌های جنگی هسته‌ای، از جمله دلایل اصلی لازم‌الاجرا نشدن آن بوده است [۹]. بر اساس کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۲، بهره‌بردار کشتی هسته‌ای (کشتی هسته‌ای به کشتی اطلاق می‌شود که حرکت یا منبع انرژی آن از طریق رآکتور و سوخت هسته‌ای تأمین می‌شود) در قبال خسارات ناشی از کشتی به اشخاص ثالث مسئولیت بدون تقصیر و انحصاری دارد.



نکرده‌اند. کنوانسیون ۱۹۶۳ وین راجع به مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای تنها کنوانسیون در این زمینه محسوب می‌شود. البته پروتکل ۱۹۹۷ اصلاح این کنوانسیون تحفظ‌پذیری مقررات مربوط به «فیصله‌ی اختلافات ناشی از کنوانسیون به وسیله‌ی داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری» را پذیرفته است. پروتکل ۱۹۹۷ اصلاحی کنوانسیون وین در این خصوص مقرر داشته است: «به هنگام تصویب، پذیرش، قبولی کنوانسیون یا الحاق به آن (اصلاحی وین) یک دولت می‌تواند اعلام کند که خود را به یک یا هر دو روش فیصله اختلاف مقرر شده در بند ۲ این ماده (یعنی فیصله‌ی اختلاف توسط داوری بین‌المللی یا دیوان بین‌المللی دادگستری) ملزم نمی‌داند. در این صورت سایر طرف‌های متعاقد در ارتباط با طرف متعاقدی که چنین اعلامیه‌ای نسبت به آن نافذ است به روش فیصله اختلاف مقرر در بند ۲ این ماده ملزم نخواهند بود» [۱۷].

نهایتاً گونه‌ی سومی از کنوانسیون‌ها راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای وجود دارد که تحفظ‌های معینی را اجازه داد یا مقررهای خاصی از مفاد خود را قابل تحفظ قلمداد کرده‌اند. کنوانسیون ۱۹۶۲ بروکسل راجع به مسئولیت بهره‌بردار کشتی‌های هسته‌ای [۱۸]، کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱ راجع به مسئولیت مدنی مربوط به حمل و نقل دریایی ماده‌ی هسته‌ای [۱۹] و کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای، ۱۹۹۷ [۲۰]، در خصوص حق شرط متضمن چنین مقرراتی هستند. مقررات کنوانسیون ۱۹۶۲ بروکسل در این خصوص اشعار داشته است «هر یک از طرفین می‌توانند در زمان امضا یا تصویب کنوانسیون یا الحاق به آن اعلام کنند که خود را به مقررات ماده‌ی ۲۰ این کنوانسیون ملزم نمی‌دانند. دیگر طرف‌های متعاقد، در ارتباط با طرف‌هایی که چنین حق شرطی را اعمال می‌کنند نسبت به این ماده ملزم نخواهند بود». شایان ذکر است که ماده‌ی ۲۰ کنوانسیون بروکسل به حل و فصل اختلافات ناشی از کنوانسیون مربوط می‌شود که به موجب آن چنانچه بین طرف‌ها راجع به تفسیر یا اجرای کنوانسیون اختلافی حاصل شود و این اختلاف از طریق مذاکره فیصله پیدا نکند، به درخواست یکی از طرفین اختلاف برای فیصله به داوری ارجاع خواهد شد. اگر طرفین ظرف مدت شش ماه از زمان درخواست داوری در خصوص سازمان و ترکیب داوری به توافق نرسند، هر یک از

## ۶.۲ کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای

این کنوانسیون<sup>(۱۴)</sup> در سال ۱۹۹۷ با تلاش آرژانس بین‌المللی انرژی اتمی در شهر وین منعقد و در ۱۵ آوریل ۲۰۱۵ اجرایی شد و تاکنون (۱۳۹۶) ده دولت به عضویت آن در آمده است. کنوانسیون جبران تکمیلی، همانند کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۳ راجع به تکمیل کنوانسیون پاریس دولت‌ها را ملزم کرده است که از طریق ایجاد صندوق‌های بین‌المللی منابع مالی بیش‌تری برای جبران زیان دیدگان حوادث هسته‌ای فراهم آورند [۱۳].

در پایان این قسمت لازم به اشاره می‌دانیم که در سال ۱۹۸۸، با تلاش آرژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آرژانس انرژی هسته‌ای سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی پروتکل مشترکی با هدف پیوند دادن مقررات دو کنوانسیون ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ وین تصویب شد. این پروتکل<sup>(۱۵)</sup> در ۲۷ آوریل ۱۹۹۲ اجرایی شده و در حال حاضر (۱۳۹۶)، ۲۸ دولت عضو آن محسوب می‌شود [۱۴].

## ۳. حق شرط در کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای

کنوانسیون‌های راجع به مسئولیت مدنی هسته‌ای رویکرد واحدی را در خصوص حق شرط اعمال نکرده‌اند. برخی از این کنوانسیون‌ها (کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ [۱۵] و کنوانسیون تکمیلی بروکسل ۱۹۶۳ [۱۶]) حق شرط را صریحاً پیش‌بینی و لکن اشاره کرده‌اند: «در هر زمان، قبل از تصویب، پذیرش، یا قبولی کنوانسیون [ها] یا قبل از الحاق به آن [ها] می‌توان به یک یا چند مقررهای این کنوانسیون [ها] حق شرط اعمال کرد و این حق شرط در صورتی که صریحاً به وسیله‌ی امضاکنندگان [کنوانسیون‌ها] پذیرفته شود، قابل قبول خواهد شد. این پذیرش از طرف امضاکنندگان [کنوانسیون‌ها] که ظرف مدت دوازده ماه از زمان اعلام از حق شرط، کنوانسیون [ها] را تصویب، پذیرش یا قبول نمی‌کنند لازم نخواهد شد». به طوری که پیداست، کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و بروکسل ۱۹۶۳، به امضاکنندگان کنوانسیونی حق اظهارنظر (موافقت یا عدم موافقت) راجع به حق شرط دولت دیگری را می‌دهند که خود آن ظرف مدت ۱۲ ماه از زمان اطلاع از حق شرط دولتی، کنوانسیون‌های پاریس یا بروکسل را تصویب و طرف قطعی آن محسوب شود.

در مقابل برخی دیگر از این کنوانسیون‌ها در خصوص حق شرط سکوت اختیار کرده و مقرراتی در آن زمینه پیش‌بینی



مقررات خود به اتفای آرا تمرکز و تأکید دارند. این کنوانسیون‌ها مقررات خود را تعدیل ناپذیر تلقی نکرده و راه استثنا کردن شمول برخی از مقررات خود نسبت به طرفین را به طور مطلق مسدود نکرده است. اما در عین حال شرط سختی (اتفاق نظر) در مورد تحفظ‌پذیری مقررات خود مقرر کرده‌اند.

کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به معاهدات اشعار داشته است که «هر دولت می‌تواند در زمان امضا، تصویب، قبولی تأیید یک معاهده یا الحاق به آن حق شرط را تنظیم (اعمال) کند مگر:

الف) حق شرط به وسیله‌ی آن معاهده ممنوع شده باشد.

ب) معاهده فقط حق شرط‌هایی را معین کند که شامل حق شرط مورد نظر نیست که اعمال می‌شود.

پ) در مواردی که مشمول بندهای الف و ب نمی‌شود، حق شرط سازگار با موضوع و هدف آن معاهده نباشد [۲۱].

کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل صراحتاً اعمال شرط را به شرط موافقت (تمام) اعضا پذیرفته‌اند و بنابراین محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌های مندرج در بندهای الف و ب مذکور در مورد آن‌ها موضوعیت پیدا نمی‌کنند. اما در خصوص بند ب مذکور، در ارتباط با کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دولت‌های متعاقد این کنوانسیون‌ها، می‌توانند با موافقت سایر اعضا، حق شرط‌هایی مغایر با موضوع و هدف آن‌ها اعمال کنند. مطابق بند پ ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ مذکور در بالا، دولت‌ها اساساً نمی‌توانند حق شرط‌هایی که مغایر با موضوع و هدف یک معاهده است اعمال کنند و کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل نیز مشمول همین قاعده است. علی‌الظاهر این کنوانسیون‌ها مرجع تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت حق شرطی را با موضوع و هدف کنوانسیون را به اتفاق نظر دول عضو واگذار کرده‌اند. در تأیید این استدلال کمیسیون حقوق بین‌الملل، در گزارش ۲۰۱۱ خود اظهار داشته است: «شرط عدم ناسازگاری حق شرط با موضوع و هدف یک معاهده، در مواردی نیز که معاهده حق شرط را اجازه داده است باید رعایت شود. اعمال این قاعده به مواردی که معاهده در مورد اعمال حق شرط سکوت کرده است محدود نمی‌شود. اما در مواردی که معاهده اعمال حق شرط نسبت به یک موضوع مشخص و معلوم را پذیرفته است، در صورت اعمال حق

طرفین حق خواهند داشت اختلاف را جهت فیصله به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد.

کنوانسیون ۱۹۹۷ جبران تکمیلی نیز همانند مقررات پروتکل اصلاحی و مشابه مقررات کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۲ به طرفین اجازه داده است که در زمان تصویب یا الحاق به کنوانسیون ماده‌ی مربوط به فیصله اختلافات از طریق داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری (بند ۲ ماده‌ی ۱۶ کنوانسیون) را مورد تحفظ قرار دهند. اما کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱، در خصوص حق شرط مقررات نسبتاً متفاوتی پیش‌بینی کرد. به موجب مقررات (ماده‌ی ۱۰) کنوانسیون اخیر: «هر یک از طرف‌های متعاقد می‌توانند حق شرط‌هایی مطابق با حق شرط‌هایی که به طور معتبری به کنوانسیون پاریس یا وین اعمال کرده‌اند اعمال نمایند حق شرط می‌تواند در زمان امضا تصویب، قبولی و یا الحاق به کنوانسیون انجام گیرد».

#### ۴. قابلیت اعمال حق شرط به کنوانسیون‌ها

به دلیل متفاوت بودن مقررات کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای راجع به حق شرط، اعمال شرط نسبت به آن‌ها از یک قاعده‌ی واحد تبعیت نمی‌کند. کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات نیز قاعده‌ی واحدی در مورد تحفظ‌پذیری کنوانسیون‌های بین‌المللی مقرر نکرده است. در این قسمت، تحفظ‌پذیری کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی بر حسب نوع مقررات آن‌ها راجع به حق شرط به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

#### ۱.۴ اعمال تحفظ نسبت به کنوانسیون‌هایی که حق شرط را صریحاً پذیرفته‌اند

به طوری که پیش از این اشاره شد، دسته‌ای از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای (کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ و کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۳ و اصلاحات آن‌ها) صریحاً اعمال تحفظ نسبت به مقررات خود را پذیرفته‌اند. البته مقبولیت<sup>(۱۶)</sup> این تحفظ به پذیرش (تمامی) دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها منوط شده است. بنابراین، چنانچه حتی یکی از طرف‌های این کنوانسیون‌ها با حق شرط دولتی (به هر علتی) مخالف باشد، آن حق شرط مقبول واقع نخواهد شد. به لحاظ ماهیت، کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و بروکسل ۱۹۶۳ را باید در زمره معاهداتی قلمداد کرد که بر اجرای



مخاطره افتد. موضوع و هدف معاهده باید با حسن نیت، با توجه به سیاق اصطلاحات به کار رفته در معاهده و خصوصاً عنوان و مقدمه معاهده تعیین شود. برای حصول به چنین نتیجه‌ای می‌توان به کارهای مقدماتی و اوضاع و احوال مربوط به انعقاد معاهده و در صورت لزوم رویه‌ی بعدی طرف‌های آن مراجعه کرد [۲۷]. در مورد کنوانسیون وین ۱۹۶۳ باید بیان داشت که آن بخش از مقررات کنوانسیون که به هماهنگی و یکسان‌سازی قوانین ملی کشورها مربوط می‌شود، از قبیل مقررات مربوط به انحصاری بودن مسئولیت بهره‌بردار، مسئولیت بدون تقصیر بهره‌بردار، بیمه‌ی اجباری مسئولیت بهره‌بردار جزو اهداف این کنوانسیون محسوب شده و قابل تحفظ نیست [۲۸]. کنوانسیون ۱۹۶۹ وین به طور مشخص مرجع یا مقام تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت حق شرط با موضوع و هدف یک معاهده را مشخص نکرده است و علی‌الظاهر، در چنین وضعیتی فرد فرد دولت‌های طرف کنوانسیون صلاحیت تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت حق شرط با موضوع و هدف معاهده را بر عهده دارد [۲۹]. کنوانسیون ۱۹۶۳ وین نیز می‌تواند مشمول همین قاعده باشد. این در حالی است که در برخی از معاهدات مرجع تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت حق شرط با موضوع و هدف معاهده مشخص شده است. کنوانسیون الغای همه‌ی اشکال تبعیض نژادی از جمله این معاهدات است که در بند ۲ ماده‌ی ۲۰ خود اشعار داشته است: «در صورتی حق شرطی با موضوع و هدف کنوانسیون ناسازگار است که دو سوم دولت‌های عضو به آن ایراد بگیرند».

**۳.۴ اعمال تحفظ به کنوانسیون‌هایی که حق شرط‌های معینی را اجازه داده یا مقرره مشخصی را قابل تحفظ اعلام کرده‌اند.**  
به طوری که پیش از این نیز اشاره شد، کنوانسیون ۱۹۶۲ بروکسل راجع به مسئولیت بهره‌بردار کشتی هسته‌ای و کنوانسیون ۱۹۹۷ جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای کنوانسیون‌هایی هستند که فقط بر تحفظ‌پذیری مقرره‌ی خاصی از این کنوانسیون‌ها (مقرره‌ی مربوط به فیصله‌ی اختلافات به وسیله‌ی داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری) تصریح کرده‌اند. همین‌طور، کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱ راجع به مسئولیت مدنی در قبال حمل و نقل دریایی ماده‌ی هسته‌ای، حق شرط‌هایی را اجازه داده است که با مقررات اعمال حق شده کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و وین ۱۹۶۳ مطابقت دارد. در خصوص این کنوانسیون‌ها (بروکسل ۱۹۶۳، بروکسل ۱۹۷۱ و

شرط نسبت به آن، طرح ناسازگاری شرط با موضوع و هدف معاهده مفهومی نخواهد داشت» [۲۲].

#### ۴.۲ اعمال تحفظ نسبت به کنوانسیون‌هایی که در خصوص حق شرط سکوت کرده‌اند

کنوانسیون وین ۱۹۶۳ تنها کنوانسیون در این مورد است. آیا مقررات این کنوانسیون قابل تحفظ است؟ در این زمینه ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به معاهدات، قاعده‌ی کلی راجع به حق شرط نسبت به معاهدات را پیش‌بینی کرده است. ماده‌ی مذکور اصل را بر حق دولت‌ها در تنظیم حق شرط نسبت به معاهدات گذاشته و در سه مورد اعمال حق شرط را ممنوع اعلام کرده است. مورد اول زمانی است که معاهده‌ی مورد نظر حق شرط نسبت به خود را ممنوع اعلام دارد.

معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای (۱۹۹۶) [۲۳] از جمله معاهداتی است که اعمال شرط نسبت به مقررات خود را صریحاً ممنوع اعلام کرده است. مورد استثنایی دوم، هنگامی است که معاهده فقط حق شرط‌های معین را مجاز اعلام کند، که حق شرط مورد نظر از جمله‌ی آن‌ها نیست. کنوانسیون ۱۹۵۸ راجع به فلات قاره [۲۴] و کنوانسیون ۱۹۵۸ راجع به ماهیگیری [۲۵] معاهداتی هستند که اعمال حق شرط نسبت به مقررات معینی از کنوانسیون را ممنوع اعلام کرده‌اند. یا کنوانسیون ۱۹۵۱ راجع به پناهندگان [۲۶] که اعمال حق شرط را در مورد مقررات مشخصی از خود پذیرفته است. سومین مورد ممنوعیت اعمال حق شرط، زمانی است که حق شرط با موضوع و هدف معاهده مغایرت داشته باشد.

بدیهی است که دو مورد اول نمی‌تواند در خصوص کنوانسیون وین ۱۹۶۳ موضوعیت پیدا کند. زیرا این کنوانسیون فاقد مقررات صریحی مبنی بر ممنوعیت حق شرط بوده و اعمال یا عدم اعمال حق شرط نسبت به مقررات مشخص خود را مقرر نکرده است. بنابراین بر اساس اصل مقرر در صدر ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات، اعمال حق شرط نسبت به کنوانسیون ۱۹۶۳ وین ممکن است، مگر این که با موضوع و هدف آن مغایرت پیدا کند که در این صورت بر اساس بند پ ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین اعمال آن ممنوع خواهد شد. حق شرط در صورتی با موضوع و هدف معاهده مغایرت دارد که به عنصر اساسی معاهده که لازمه‌ی ساختار کلی آن باشد، لطمه وارد کند به گونه‌ای که علت وجودی معاهده به



مخالفت اعلام نکنند، آن حق شرط پذیرفته شده تلقی خواهد شد. همین‌طور در مورد کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱ و کنوانسیون وین ۱۹۶۳، چنانچه دولت‌های عضو آن‌ها در موعد زمانی مقرر به حق شرط اعمال شده‌ی دولتی اعتراض نکنند، آن حق شرط پذیرفته شده تلقی خواهد شد. اما حق شرط‌هایی که کنوانسیون‌های ۱۹۶۲ بروکسل و ۱۹۹۷ جبران تکمیلی برای دولت‌ها مبنی بر نپذیرفتن فیصله اختلافات ناشی از این کنوانسیون به وسیله‌ی داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر کرده‌اند، نیازی به پذیرش سایر اعضای این کنوانسیون‌ها ندارد و اساساً سایر دولت‌ها نیز نمی‌توانند با این حق شرط‌ها مخالفت کنند.

بر اساس کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات، دولت‌ها در هر زمان می‌توانند حق شرط خود به معاهده یا کنوانسیون را با اعلام به امین معاهده مورد نظر استرداد کنند [۳۲] و برای این استرداد نیازی به موافقت سایر دولت‌های طرف آن معاهده ندارند. این قاعده در مورد کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز جاری است و برخی از این کنوانسیون‌ها (کنوانسیون ۱۹۶۲ بروکسل و کنوانسیون ۱۹۹۷ جبران تکمیلی) نیز قابلیت استرداد حق شرط را در مورد حق شرط مشخصی پیش‌بینی کرده‌اند. در این خصوص به طور مشخص مقررات کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به جبران تکمیلی اشعار داشته است: «هر طرف متعاهدی که به موجب بند ۳ [ماده‌ی ۱۶] اعلامیه‌ای [مبنی بر اعمال تحفظ به فیصله اختلافات به وسیله‌ی داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری] صادر کرده است، در هر زمان می‌تواند اعلامیه خود را پس از اطلاع به امین [کنوانسیون] مسترد کند» [۳۳].

اما سؤالی که می‌تواند در این خصوص مطرح شود این است که آیا موافقت‌ها یا مخالفت‌هایی که با حق شرط‌ها شده است نیز قابل استرداد است؟ مقررات کنوانسیون وین ۱۹۶۹ و هم‌چنین مقررات خود کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای در این خصوص ساکت هستند، اما اصول راهنمایی که کمیسیون حقوق بین‌الملل در زمینه‌ی حق شرط‌ها تهیه و تصویب کرده این خلأ را مرتفع کرده است. در این زمینه اصل راهنمای شماره‌ی ۲/۸/۱۳ کمیسیون اعلام داشته است که «پذیرش یک حق شرط قابل استرداد یا اصلاح نیست» [۳۴].

جبران تکمیلی (۱۹۹۷) سؤالی که می‌تواند مطرح شود این است که آیا به غیر از مقررات قابل تحفظ مشخص شده، سایر مقررات این کنوانسیون‌ها نیز قابل تحفظ هستند؟ در این زمینه مقررات خود این کنوانسیون‌ها دلالت یا اشاره‌ای ندارد. اما بند ۲ ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات اعلام کرده است که در چنین مواردی سایر مقررات چنین کنوانسیون‌هایی، در صورتی که تحفظ مغایر با موضوع و هدف معاهده باشد، قابل تحفظ نخواهد بود. اصل راهنمای ۳/۱/۳ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حق شرط نسبت به معاهدات، مصوب ۲۰۱۱، در این خصوص اشعار داشته است: «اعمال تحفظ نسبت به آن قسمت از مقررات معاهده که اعمال تحفظ به آن‌ها ممنوع نشده است، در صورتی که مغایر با موضوع و هدف معاهده مورد نظر نباشد، مجاز است» [۲۹]. قبل از تدوین این اصل، ظاهر مقررات بند ۲ ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون این بود که سایر مقررات چنین کنوانسیون‌ها نمی‌تواند قابل تحفظ باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر اصل راهنمای مذکور بیان داشته است که بند ۳ ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، بر بند ۲ این ماده حاکم است و در مواردی که معاهده‌ای در مورد تحفظ‌پذیری یا ناپذیری بخشی از مقررات خود ساکت است نیز اعمال می‌شود [۳۰].

### ۵. پذیرش و مخالفت با حق شرط

کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات در موارد سکوت معاهده، فرض را بر پذیرش حق شرط گذاشته و سکوت را به منزله‌ی پذیرش تلقی کرده است. بر اساس کنوانسیون وین ۱۹۶۹، چنانچه در معاهده‌ی مورد نظر ترتیبات خاصی برای پذیرش یا مخالفت با حق شرط وجود نداشته باشد، چنانچه دولتی از زمان دریافت متن حق شرط دولتی و یا از زمان پذیرش آن معاهده، تا دوازده ماه (هر کدام که دیرتر باشد) به حق شرط اعتراض نکند یا سکوت اختیار کند، این رفتار به منزله‌ی پذیرش آن حق شرط محسوب خواهد شد [۳۱]. نظر به سکوت کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، این قاعده می‌تواند در مورد تمامی این کنوانسیون نیز اعمال شود. بنابراین برای مثال، چنانچه اعضای کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل، از زمان دریافت حق شرط دولتی یا از زمان پذیرش این کنوانسیون‌ها (هر کدام دیرتر باشد) نظر خود را ظرف دوازده ماه اعم از موافقت یا



## ۱.۶ آثار پذیرش و مخالفت با حق شرط

### ۱.۶ آثار پذیرش

پذیرش حق شرط دولتی به کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای موجب تغییر وضعیت این دولت، از دولت اعمال‌کننده حق شرط به دولت متعاقد<sup>(۱۷)</sup> یا «طرف»<sup>(۱۸)</sup> معاهده خواهد شد. بر اساس کنوانسیون وین ۱۹۶۹ «دولت متعاقد» به «دولتی اطلاق می‌شود که رضایت خود را برای ملتزم شدن به معاهده اعلام کرده است، اعم از این که معاهده اجرایی شده یا نشده باشد». «طرف» معاهده نیز به «دولتی اطلاق می‌شود که رضایت خود را بر التزام به معاهده اعلام کرده و معاهده بر آن اجرایی شده است» [۳۵] در این زمینه اصل راهنمای ۴/۲/۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حق شرط‌ها تصریح کرده است: «نام دولت اعمال‌کننده حق شرط در زمره‌ی دولت‌های متعاقد مورد نیاز برای اجرایی شدن معاهده، اگر معاهده متضمن چنین التزامی باشد، قید می‌شود. اگر معاهده اجرایی شده باشد، دولت اعمال‌کننده حق شرط، در زمره طرف‌های معاهده قلمداد خواهد شد» [۳۶]. بنابراین، از جمله آثار پذیرش حق شرط، التزام دولت اعمال‌کننده به معاهده‌ی مورد نظر یا ورود قطعی به آن است. التزام دولت اعمال‌کننده حق شرط به کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل و یا ورود قطعی آن به این کنوانسیون‌ها مستلزم پذیرش حق شرط آن دولت از سوی تمامی دولت‌های عضو کنوانسیون‌های پاریس و بروکسل است [۳۷].

در مورد سایر کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی، صرف موافقت یک دولت عضو با حق شرط دولتی موجب طرف متعاقد یا طرف معاهده شدن دولت اخیر خواهد شد. در روابط قراردادی بین دولت‌هایی که اعمال حق شرط کرده‌اند و دولت‌هایی که این حق شرط‌ها را پذیرفته‌اند، معاهده‌ی مورد نظر بین آن‌ها با رعایت حق شرط‌های مورد نظر اعمال خواهد شد، مگر این که معاهده طور دیگری مقرر نماید [۳۸].

با حق شرط نمی‌تواند حسب مورد مانع طرف متعاقد یا طرف معاهده شدن دولت اعمال‌کننده حق شرط در معاهده‌ی مورد نظر شود، مگر این که شرط پذیرش حق شرط نسبت به آن معاهده عدم مخالفت (موافقت) تمام دولت‌های طرف (مانند کنوانسیون‌های ۱۹۶۰ پاریس و ۱۹۶۳ بروکسل) تعیین شده باشد که در حالت اخیر مخالفت یک دولت مانع طرف متعاقد یا طرف معاهده شدن دولت اعمال‌کننده حق شرط می‌شود [۳۹]. اصل راهنمای شماره‌ی ۴/۳/۳ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز این قاعده را پذیرفته است. این اصل اعلام داشته است: «چنانچه استقرار حق شرط مستلزم پذیرش تمام طرف‌های معاهده باشد، مخالفت یک دولت متعاقد با این حق شرط مانع از اجرایی شدن آن معاهده برای دولت اعمال‌کننده حق شرط می‌شود» [۴۰].

اما مخالفت با حق شرط، سبب عدم اجرای موضوع آن حق شرط در روابط بین دولت حق شرط‌کننده و دولت مخالفت‌کننده با آن حق شرط می‌شود حتی دولت مخالفت‌کننده می‌تواند فراتر از این رفته و اعلام کند که اساساً تمایل ندارد طرف آن معاهده در رابطه با دولت حق شرط‌کننده قرار گیرد [۴۱] این قاعده در مورد کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز قابلیت اعمال دارد. هر چند که کنوانسیون‌های ۱۹۶۲ بروکسل (ذیل ماده‌ی ۲۱) و جبران تکمیلی ۱۹۹۷ (ذیل بند ۳ ماده‌ی ۱۶) نیز این قاعده را به طور خاصی مورد تصریح قرار داده‌اند. در این خصوص بند ۳ ماده‌ی ۱۶ کنوانسیون اخیرالذکر اشعار داشته است: «به هنگام تصویب، پذیرش، قبولی یا الحاق به کنوانسیون، دولت می‌تواند اعلام کند که خود را به یک یا هر دو روش فیصله اختلاف مقرر در بند ۲ [ماده‌ی ۱۶] متعهد نمی‌داند. در این صورت دیگر طرف‌های متعاقد در ارتباط با طرف متعاقدی که چنین اعلامیه‌ای برای آن نافذ است، به روش فیصله‌ی اختلاف مقرر در بند ۲ ملزم نخواهند بود».

## ۲. رویه‌ی دولت‌ها در خصوص اعمال حق شرط به

### کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای

دولت‌های متعاقد کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای، حق شرط‌هایی را در چارچوب مقررات خاص این کنوانسیون‌ها و قواعد عام اعمال کرده‌اند و تاکنون (۱۳۹۶) هیچ طرف دیگری به این حق شرط‌ها ایراد نگرفته (مخالفتی نکرده) است. از میان این کنوانسیون‌ها، کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۲ راجع به مسئولیت

### ۲.۶ آثار مخالفت

در کنوانسیون‌هایی که موافقت تمام دولت‌های عضو، شرط پذیرش حق شرط اعلام نشده است، موافقت یک دولت عضو آن معاهده حسب مورد موجب طرف متعاقد یا طرف معاهده شدن دولت اعمال‌کننده حق شرط می‌شود. اما در مخالفت با حق شرط وضعیت این گونه نیست و مخالفت یک دولت طرف معاهده





بهره‌بردار کشتی هسته‌ای، هیچ نوع حق شرطی را متقبل نشده است.

در خصوص کنوانسیون‌های پاریس ۱۹۶۰ و بروکسل ۱۹۶۳ و اصلاحات آن‌ها، آلمان، اتریش، یونان، نروژ و سوئد اعمال تحفظ کرده‌اند. در مورد کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰، جمهوری فدرال آلمان، جمهوری اتریش و جمهوری یونان بندهای ب و ت ماده‌ی ۶<sup>(۱۹)</sup> آن را مورد تحفظ قرار داده‌اند. در این خصوص این کشورها اعلام داشته‌اند که «حق خود را مبنی بر قلمداد کردن قانون ملی خود که شامل مقرراتی معادل مقررات مشمول موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مورد اشاره در بند ب ماده‌ی ۶ می‌شود را به عنوان موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در چارچوب مفهوم بند ب و بند ث ماده را محفوظ می‌دارند». به بیانی دیگر بر اساس این حق شرط این کشورها اعلام کرده‌اند که قانون ملی آن‌ها همان ویژگی موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مورد اشاره را خواهند داشت.

دومین حق شرط راجع به کنوانسیون پاریس به حق شرط‌های جمهوری فدرال آلمان و جمهوری اتریش در مورد بند الف ماده‌ی ۸<sup>(۲۰)</sup> کنوانسیون مربوط می‌شود. این بند به موضوع مرور زمان در دعاوی خسارت هسته‌ای مربوط می‌شود که بر آن اساس این کشورها اعلام کرده‌اند که «حق خود را مبنی بر مقرر نمودن دوره‌ای بیش‌تر از ده سال در خصوص حوادث هسته‌ای که در قلمرو جمهوری فدرال آلمان و جمهوری اتریش رخ می‌دهند، محفوظ می‌دارند البته چنانچه اقداماتی برای پوشش مسئولیت بهره‌بردار در خصوص دعاوی خسارت که بعد از انقضاء دوره‌ی ده ساله و در طول چنین دوره‌ی بیش‌تری شروع شده است، انجام گرفته باشد.

تحفظ بعدی در مورد کنوانسیون پاریس به بند الف و جز ۱ بند پ ماده‌ی ۶<sup>(۲۱)</sup> مربوط می‌شود که آلمان، اتریش و یونان راجع به آن اعمال تحفظ کرده‌اند. در این خصوص این کشورها اعلام کرده‌اند که حق خود را مبنی بر پیش‌بینی تداوم مسئولیت اشخاص دیگر، علاوه بر بهره‌بردار، در قبال خسارات ناشی از ماده‌ی هسته‌ای در قانون ملی خود را با این شرط که این اشخاص به طور کامل در مورد مسئولیت‌ها خودشان از جمله انجام دفاع در مقابل دعاوی غیرقابل توجیه، تحت پوشش بیمه تحصیل شده به وسیله‌ی بهره‌بردار یا از صندوق دولت قرار گیرند را محفوظ می‌دارند. ماده‌ی ۹ کنوانسیون پاریس<sup>(۲۲)</sup> مورد بعدی اعمال تحفظ

دولت‌هاست. در این خصوص جمهوری فدرال آلمان و جمهوری اتریش اعلام کرده‌اند «که حق خود را مبنی بر این که بهره‌بردار را در قبال خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای که به طور مستقیم به سبب درگیری‌های مسلحانه، تخاصمات، جنگ داخلی، شورش یا بلایای طبیعی با ویژگی استثنایی واقع می‌شوند، مسئول قلمداد کنند» محفوظ می‌دارند. نهایتاً آلمان، اتریش و یونان در مورد ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون پاریس<sup>(۲۳)</sup> اعمال تحفظ کرده و اعلام داشته‌اند که حق خود را مبنی بر این که تصویب این کنوانسیون موجب تعهد به تصویب قانون ملی راجع به مسئولیت مدنی شخص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای بر اساس مقررات این کنوانسیون تلقی گردد، محفوظ می‌دارند [۴۲]. در مورد کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۳ و اصلاحات آن، آلمان و اتریش در مورد مواد ۹ و ۱۹ آن، که مقررات آن‌ها همانند مقررات مواد ۹ و ۱۹ کنوانسیون پاریس است اعمال تحفظ‌های خود نسبت به مواد مربوطه کنوانسیون پاریس را تکرار کرده‌اند [۴۳].

در خصوص کنوانسیون ۱۹۶۳ وین دو مورد حق شرط یا شاید اعلامیه تفسیری مشاهده می‌شود. مورد اول به رژیم اسرائیل مربوط می‌شود که به هنگام امضا اعلام کرده است که حق خود را به اعمال هر نوع تحفظ به هنگام تودیع سند تصویب خود محفوظ می‌دارد. مورد دوم دولت شیلی است که در ارتباط با بند ۱ ماده‌ی ۵ کنوانسیون<sup>(۲۴)</sup> اعلام کرده است که حق خود را مبنی بر این که قانون شیلی بتواند جبران کامل خسارت را پیش‌بینی نماید محفوظ می‌دارد. شیلی همین‌طور، در ارتباط با ماده‌ی ۷ کنوانسیون<sup>(۲۵)</sup> اعلام داشته است که در مواردی که بهره‌بردار نمی‌تواند جزئاً یا کلاً برای پوشش مسئولیت خود بیمه تهیه کند دولت شیلی بر این برداشت است که تضمین دولتی مقرر در آن ماده فقط به بخشی که تحت پوشش بیمه قرار نگرفته، در موارد و شرایطی که قانون شیلی مقرر می‌کند، اعمال می‌شود [۴۴].

در مورد کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱ دولت ایتالیا صرفاً اعلامیه‌ی تفسیری صادر کرده و اعلام داشته است که حق دولت ایتالیا مبنی بر رجوع به خسارات واردشده به آن دولت یا شهروندان آن بر اساس حق بین‌الملل محفوظ است [۴۵].

در خصوص پروتکل اصلاح کنوانسیون وین (۱۹۹۷) اردن، عربستان سعودی و امارات متحده‌ی عربی، اعلام کرده‌اند که خود



«دستگاه دولتی باید قبل از ارائه پیشنهاد برای الحاق یا اعلام قبولی یک توافق چند جانبه حقوقی تشریفاتی، با در نظر گرفتن مصالح و منافع کشور مطالعه و بررسی‌های لازم را در مورد اعمال حق شرط (رزرو) در آن انجام داده و گزارش جامعی را که متضمن علل یا توجیه لزوم پیش‌بینی یا عدم پیش‌بینی حق شرط در موادی از آن باشد، همراه با لایحه‌ی پیشنهادی به هیئت وزیران تسلیم کند، در مواردی که دستگاه دولتی اعمال حق شرط را لازم بداند، باید لایحه‌ی طوری تنظیم شود که حاوی شرایط مورد نظر باشد.

**تبصره ۱:** پیشنهاد حق شرط در مورد عضویت در اتحادیه‌ها، مجامع، سازمان‌های بین‌المللی منوط به رعایت مقررات اساسنامه یا سند تأسیس آن‌ها باشد و باید با پیشنهاد عضویت ارائه شود.

**تبصره ۲:** در صورتی که برای پذیرش توافق حقوقی حق شرط (رزرو) ممنوع شده باشد، یا پذیرش مشروط آن مغایر با هدف یا موضوع توافق باشد، هنگام نیاز دستگاه دولتی باید بیانیه توضیحی [اعلامیه تفسیری] را که متضمن برداشتی در راستای منافع و مصالح کشور از متن است تهیه و همراه با لایحه‌ی پیشنهادی به هیئت وزیران ارائه کند.

نکته‌ی اول در خصوص مقررات مذکور این است که کلیت مقررات آیین‌نامه‌ی مذکور در خصوص حق شرط همسو با مقررات کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات است. آیین‌نامه‌ی مذکور، به طور مطلق و قطعی دولت را ملزم به تهیه و اعمال حق شرط نکرده و ضرورت و عدم ضرورت اعمال حق شرط را به ماهیت و محتوی معاهدات و لحاظ مصالح و منافع کشور، منوط کرده است. اگر مفاد یک معاهده‌ای اعمال حق شرط را ممنوع کرده باشد، یا اعمال حق شرط مغایر با موضوع و هدف معاهده قلمداد شود، دولت نمی‌تواند حق شرطی را در مورد آن معاهده تهیه کند. در چنین وضعیتی، تکلیف دستگاه دولتی این است که بیانیه‌ی توضیحی که متضمن برداشتی در راستای مصالح و منافع کشور از متن است را تهیه و به همراه لایحه‌ی مربوطه به هیئت وزیران ارائه کند. نتیجه این که بر اساس آیین‌نامه مذکور، تکلیف به تنظیم و پیشنهاد حق شرط در مواردی است که مفاد معاهده اعمال حق شرط را ممنوع کرده و مصالح و منافع کشور نیز اعمال حق شرط به معاهده را اقتضا می‌کند. در غیر این صورت

را به روش‌های حل و فصل اختلاف مقرر در بند ۲ ماده‌ی ۲۰ الف<sup>(۲۶)</sup> ملتزم نمی‌دانند [۴۴].

و نهایتاً، در خصوص کنوانسیون جبران تکمیلی، کشورهای کانادا، هند، ژاپن، امارات متحده عربی و ایالات متحده‌ی آمریکا اعمال تحفظ کرده‌اند. در مورد بند ۲ ماده‌ی ۱۶ این کنوانسیون<sup>(۲۷)</sup> کانادا، هند، امارات متحده‌ی عربی و آمریکا اعلام کرده‌اند که خود را ملتزم به مقررات این بند (راجع به حل و فصل اختلافات) نمی‌دانند. در خصوص جز ب (۲)، بند ۱ ماده‌ی ۵<sup>(۲۸)</sup> کنوانسیون نیز کانادا و ژاپن اعلام کرده‌اند که اگر شخصی سکونت دائم در این کشورها داشته باشد، در حکم شهروند آن‌ها خواهد بود. همین‌طور، ژاپن اعلام کرده است که به جز ب بند ۷ ماده‌ی ۳ کنوانسیون و جزای الف و ب بند ۲ ماده‌ی ۱ ضمیمه<sup>(۲۹)</sup> ملتزم نیست [۴۶].

به طوری که پیش از این اشاره شد، تاکنون (۱۳۹۶) هیچ دولتی با حق شرط‌های اعمال شده به کنوانسیون‌های مذکور مخالفتی نکرده است. این حق شرط‌های اعمال شده، علاوه بر این که قابلیت تحفظ مقررات کنوانسیون‌های مذکور را در عمل تأیید می‌کند، می‌توانند در نوع اعمال حق شرط دولت‌های بعدی به کنوانسیون‌ها به عنوان راهنما عمل کنند. به طوری که ملاحظه شد، تمامی دولت‌ها علاوه بر حق شرط، اعلامیه‌ی تفسیری نیز به کنوانسیون‌ها اعمال کرده‌اند. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، اعلامیه‌های تفسیری آثار حقوقی متفاوت از حق شرط دارند و می‌توانند در تفسیر مقررات کنوانسیون به هنگام بروز ابهام و اختلاف مورد استفاده واقع شوند [۴۷].

## ۸. حق شرط نسبت به معاهدات بین‌المللی در نظام حقوقی ایران

قوانین اساسی و مصوب مجلس شورای اسلامی ایران در خصوص مفهوم و قابلیت اعمال حق شرط و آثار چنین اعمالی، مقررات مشخصی را پیش‌بینی نکرده‌اند. اما در آیین‌نامه که هیئت محترم وزیران مصوب ۱۳/۲/۱۳۷۱، با استناد به اصول ۷۷<sup>(۳۰)</sup> و ۱۲۵<sup>(۳۱)</sup> قانون اساسی، راجع به تنظیم موافقت‌های بین‌المللی تصویب کرده است، موضوع حق شرط بر معاهدات بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. در این خصوص ماده‌ی ۸ آیین‌نامه مذکور اشعار داشته است:



ه) در مورد مسایل تعهدآور سیاسی- نظامی یا دفاعی دو یا چند جانبه منطقه‌ای یا جهانی

و) در مورد تأسیس و عضویت در اتحادیه‌ها، مجامع و سازمان‌های بین‌المللی

ز) در مورد تصمیمات سازمان بین‌المللی کار موضوع قسمت اول بند ۱ ماده‌ی ۱۹ اساسنامه‌ی سازمان بین‌المللی کار [۴۹].

در خصوص قسمت دوم سؤال مطروحه در بالا باید متذکر شد که طبق اطلاق مقررات اصل ۷۷ قانون اساسی که اعلام کرد «عهدنامه، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و مقاله‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد» و عبارات مندرج در آیین‌نامه‌ی مذکور (نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی)، به نظر می‌آید در چنین وضعیتی دولت، پس از آن که بر اساس ملاک‌های مذکور، توافق حقوقی را توافق حقوقی تشریفاتی تشخیص داد، به مجلس شورای اسلامی ارسال کند. در خصوص اصل ۷۷ قانون اساسی شورای نگهبان چهار نظریه‌ی تفسیری صادر کرده است که اعتباری همانند اصل ۷۷ داشته که در این مورد برای دولت و مجلس شورای اسلامی لازم‌الرعایه هستند [۵۰].

### ۹. نتیجه‌گیری: راهبرد جمهوری اسلامی ایران

بررسی حاضر نشان داد که اعمال حق شرط نسبت به کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای با رعایت شرایط و مقررات این کنوانسیون‌ها و ضوابط و قواعد عام حقوق بین‌الملل در زمینه‌ی اعمال حق شرط‌ها ممکن است. جمهوری اسلامی ایران هنوز به عضویت این کنوانسیون‌ها (کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۲، کنوانسیون وین ۱۹۶۳، کنوانسیون بروکسل ۱۹۷۱، پروتکل اصلاح کنوانسیون وین ۱۹۶۳ و کنوانسیون جبران تکمیلی خسارت هسته‌ای) در نیامده است. بنابراین به لحاظ حقوقی و بر اساس مقررات این کنوانسیون‌ها از این اختیار برخوردار است که به هنگام الحاق به این کنوانسیون حق شرط‌هایی را نیز در مورد آن‌ها تنظیم و اعلام کند. نظر به ممنوع نشدن حق شرط در کنوانسیون‌های مذکور، به نظر می‌آید که بر اساس آیین‌نامه‌ی مذکور دستگاه دولتی مربوطه (سازمان انرژی اتمی ایران) تکلیف داشته باشد قابلیت اعمال حق شرط نسبت به آن بخش از مقررات کنوانسیون‌ها که قصد الحاق به آن را دارد با لحاظ مصالح و منافع کشور، و با در نظر گرفتن قواعد و مقررات کنوانسیون مورد نظر

اعلامیه‌ی تفسیری که متضمن برداشتی از متن آن معاهده در راستای مصالح و منافع کشور است ارائه‌ی تنظیم خواهد شد. از این رو به نظر می‌آید که چنانچه لایحه‌ی دستگاه دولتی در مورد الحاق به معاهده معین، متضمن حق شرط یا اعلامیه‌ی توضیحی نیست، دستگاه مربوطه باید دلایل توجیهی آن را در گزارش خود تبیین کند.

نکته‌ی دوم این است که بر اساس آیین‌نامه‌ی مذکور، تهیه و تنظیم حق شرط یا بیانیه‌های توضیحی فقط در مورد توافقات چندجانبه‌ی حقوقی تشریفاتی ضرورت دارد. آیین‌نامه توافق حقوقی تشریفاتی را تعریف کرده و مقرر داشته است که «توافق حقوقی توافقی است ناشی از روابط بین‌المللی که به موجب آن دستگاه دولتی در مقابل دولت، مؤسسه و شرکت دولتی، شوراها و سازمان‌های بین‌المللی ملتزم به امری می‌شود که اثر و ضمانت حقوقی داشته باشد. توافق حقوقی در مواردی که نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی باشد توافق حقوقی تشریفاتی است و در سایر موارد توافق حقوقی ساده است» [۴۸]. اما این که چه توافقی، توافق حقوقی تشریفاتی است و این که در صورت تشریفاتی بودن توافق، آیا دولت (هیأت وزیران) مکلف به ارسال آن برای بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی هست یا خیر، ضروری است توضیحاتی داده شود. در خصوص پاسخ قسمت اول سؤال باید متذکر شد که آیین‌نامه توافق حقوقی تشریفاتی را تعریف نکرده، اما ضمن مقررات خود مقرر کرده است که موضوعات ذیل باید در چارچوب توافقات‌های حقوقی تشریفاتی تنظیم شود که این می‌تواند در فهم مفهوم توافق‌های حقوقی تشریفاتی روشن‌گرانه باشد:

الف) تعیین خطوط مرزی، روش‌های حل اختلافات مرزی صلح و مناقشات با دولت‌ها

ب) برای ایجاد مودت در ارتباط با همکاری‌ها و مبادلات اقتصادی، اجتماعی، تجاری، فرهنگی، علمی و فنی

ج) در مورد توافقات‌های چندجانبه بین‌المللی که در چارچوب یا تحت نظارت سازمان‌ها، مجامع و اتحادیه‌های بین‌المللی منعقد می‌شود.

د) برای بیان قواعد، شرایط اجرا، تمدید، تکمیل، تفسیر یا اصلاح دیگر توافقات‌های حقوقی تشریفاتی، در صورتی که اجازه‌ی انجام آن در توافق‌نامه حقوقی تشریفاتی لحاظ شده باشد.



مسئولیت مدنی ایران راجع به حوادث و خسارات هسته‌ای، اهمیت چنین بررسی دو چندان می‌شود. در این بررسی، چنانچه برخی از مقررات این کنوانسیون‌ها، مغایر با الزامات شرعی و قانون اساسی کشور تشخیص داده شود، چنانچه مقررات کنوانسیون‌های مربوطه و قواعد و ضوابط حقوق معاهدات راجع به اعمال شرط اجازه دهد، تنظیم حق شرط در مورد آن‌ها در راستای رعایت مصالح و منافع کشور ضروری و مفید خواهد بود.

(کنوانسیون ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات) مورد بررسی کارشناسانه قرار دهد و چنانچه اعمال حق شرط نسبت مواردی را لازم یا مفید تشخیص دهد تنظیم و پیشنهاد کند. با وجود عدم ممنوعیت حق شرط در کنوانسیون‌های مذکور و تأکید مفاد آیین‌نامه‌ی مذکور به تهیه و تنظیم اعلامیه‌های حق شرط با رعایت منافع و مصالح کشور، بررسی نکردن قابلیت اعمال حق شرط به این کنوانسیون‌ها قابل توجیه نخواهد بود. به دلیل وجود تفاوت اساسی بین نظام مسئولیت مدنی مقرر در این کنوانسیون‌ها و نظام

### پی‌نوشت‌ها:

- 1- Vienna Convention on Law of Treaties
- 2- Reservation
- 3- Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)
- 4- International Atomic Energy Agency (IAEA)
- 5- Paul Ruggie
- 6- Paris Convention on Third Party Liability in the Field of Nuclear Energy
- 7- Exclusive Liability
- 8- Strict or no-Fault Liability of Operator of Nuclear Installation
- 9- Convention on the Liability of Operators of Nuclear Ships
- 10- Brussels Convention Supplements Paris Convention of (1960)
- 11- Convention on Civil Liability for Nuclear Damage
- 12- Convention Relating to Civil Liability in the Field of Maritime Carriage of Nuclear Materials.
- 13- International Maritime Organization
- 14- Convention on Supplementary Compensation of Nuclear Damage.
- 15- Joint Protocol Relating to Application of the Vienna Convention and Paris Convention
- 16- Admissibility
- 17- Contracting State
- 18- Party



19- Paris Convention(1960).Article 6(b)(d):(b)" Except as otherwise provided in this Article, no other person shall be liable for damage caused by a nuclear incident, but this provision shall not affect the application of any international agreement in the field of transport in force or open for signature, ratification or accession at the date of this Convention"(d): Any person who has paid compensation in respect of damage caused by a nuclear incident under any international agreement referred to in paragraph (b) of this Article or under any legislation of a non-Contracting State shall, up to the amount which he has paid, acquire by subrogation the rights under this Convention of the person suffering damage whom he has so compensated.

20- Art 8(a): The right of compensation under this Convention shall be extinguished if an action is not brought within ten years from the date of the nuclear incident. National legislation may, however, establish a period longer than ten years if measures have been taken by the Contracting Party in whose territory the nuclear installation of the operator liable is situated to cover the liability of that operator in respect of any actions for compensation begun after the expiry of the period of ten years and during such longer period: provided that such extension of the extinction period shall in no case affect the right of compensation under this Convention of any person who has brought an action in respect of loss of life or personal injury against the operator before the expiry of the period of ten years.

21- Art 6(a): right to compensation for damage caused by a nuclear incident may be exercised only against an operator liable for the damage in accordance with this Convention, or, if a direct right of action against the insurer or other financial guarantor furnishing the security required pursuant to Article 10 is given by national law, against the insurer or other financial guarantor;art 6(c)(i) Nothing in this Convention shall affect the liability:

1-of any individual for damage caused by a nuclear incident for which the operator, by virtue of Article 3(a)(ii)(1) and (2) or Article 9, is not liable under this Convention and which results from an act or omission of that individual done with intent to cause damage;

2-of a person duly authorized to operate a reactor comprised in a means of transport for damage caused by a nuclear incident when an operator is not liable for such damage pursuant to Article 4(a)(iii) or (b)(iii).

22- Art 9: The operator shall not be liable for damage caused by a nuclear incident directly due to an act of armed conflict, hostilities, civil war, insurrection or, except in so far as the legislation of the Contracting Party in whose territory his nuclear installation is situated may provide to the contrary, a grave natural disaster of an exceptional character.

23- Art 19: (a) This Convention shall be ratified. Instruments of ratification shall be deposited with the Secretary-General of the Organisation.

(b) This Convention shall come into force upon the deposit of instruments of ratification by not less than five of the Signatories. For each Signatory ratifying thereafter, this Convention shall come into force upon the deposit of its instrument of ratification.

24- Art V(1) The liability of the operator may be limited by the Installation State to not less than US \$5 million for any one nuclear incident.

25-VII(i) The operator shall be required to maintain insurance or other financial security covering his liability for nuclear damage in such amount, of such type and in such terms as the Installation State shall specify. The Installation State shall ensure the payment of claims for compensation for nuclear damage which have been established against the operator by providing the



necessary funds to the extent that the yield of insurance or other financial security is inadequate to satisfy such claims, but not in excess of the limit, if any, established pursuant to Article V.

26-art xx(a)(2) 2. If a dispute of this character referred to in paragraph 1 of this Article cannot be settled within six months from the request for consultation pursuant to paragraph I of this Article, it shall, at the request of any party to such dispute, be submitted to arbitration or referred to the International Court of Justice for decision. Where a dispute is submitted to arbitration, if, within six months from the date of the request, the parties to the dispute are unable to agree on the organization of the arbitration, a party may request the President of the International Court of Justice or the Secretary-General of the United Nations to appoint one or more arbitrators. In cases of conflicting requests by the parties to the dispute, the request to the Secretary-General of the United Nations shall have priority.

27-art XVI(2): 2. If a dispute of this character referred to in paragraph I cannot be settled within six months from the request for consultation pursuant to paragraph 1, it shall, at the request of any party to such dispute, be submitted to arbitration or referred to the International Court of Justice for decision. Where a dispute is submitted to arbitration, if, within six months from the date of the request, the parties to the dispute are unable to agree on the organization of the arbitration, a party may request the President of the International Court of Justice or the Secretary-General of the United Nations to appoint one or more arbitrators. In cases of conflicting requests by the parties to the dispute, the request to the Secretary-General of the United Nations shall have priority.

28-art V(1)(b)(ii): by a national of a Contracting Party;

29-art 1(2)(a)(b) a) with respect to nuclear installations, criteria for such exclusion have been established by the Board of Governors of the International Atomic Energy Agency and any exclusion by an Installation State satisfies such criteria; and  
(b) with respect to small quantities of nuclear material, maximum limits for the exclusion of such quantities have been established by the Board of Governors of the International Atomic Energy Agency and any exclusion by an Installation State is within such established limits.

۳۰. اصل هفتاد و هفتم: عهدنامه‌ها، مقاله‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۳۱. اصل یکصد و بیست و پنجم: امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده‌ی قانونی او است.



- [1] Vienna convention on law of treaties, 1969, art, 2 (1) (d) in international legal materials, vol. 8, (679-735), (1969).
- [2] Vienna convention on law of treaties between states and international organization or between international organizations, art, 2 (2) (d) in ...
- [3] Bindschedler, Rudolf, I. "treaties, reservation", encyclopedia of public international law, Elsevier science publishers B.V, P. 496. (1984).
- [۴] فلسفی، هدایت‌الله، «حقوق بین‌الملل معاهدات»، انتشارات فرهنگ نشر نو، چاپ چهارم، تهران، ص ۳۴۵، (۱۳۹۲).
- [۵] ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات، انتشارات گنج دانش، چاپ .... تهران ۱۳، ص
- [۶] Vienna convention on law of treaties, 1969, article, 19, Vienna convention on law of treaties between states and international organizations ..., 498, article, 19.
- [۷] Szosz, paul c. "The law and practice of international atomic energy agency, IAEA, Vienna, PP. 703-705. (1970).
- [۸] Elbaradei, Mohammed et al. "The law of nuclear energy: basic documents Nijhoff, 1993, PP. 1379-1381.
- [9] Sands, philippe "Chernobyl: law and communication", Gomer press, P. 82. (1988).
- [10] Sands, philippe, chernobyl: law and communication, P. 53. (1988).
- [11] Lamm, vanda, "protocol amending the 1963 vienna convention nuclear law bulletin, OECDNEA, no. 61, P. 8.
- [12] Elbaradei Mohamed et al., P. 1993, PP. (1383-1386).
- [13] Mcrae, ben, "the compensation convention: path to global regime for dealing with legal liability and compensation for nuclear damage" nuclear law bulletin, OECD, no. 61, PP. 25-26.
- [14] Buskesi, von. O. "a bridge between tow conventions on civil liability for nuclear damage: joint protocol relating to application of the Vienna convention and the Paris convention" nuclear bulletin OECD, no 43, P. 10.
- [15] The Paris convention, art, 18, (1960).
- [16] The Brussels convention, , art, 18, (1963).
- [17] The amending protocol, , art, 17 , (1997).
- [18] The Brussels convention, . Art 201962
- [19] The Brussels convention, , art, 101971
- [20] The convention on supplementary compensation, , art, 16,(1997).
- [21] The Vienna convention, art, 19, (1969).
- [22] Report of international law commission, sixty third session, PP. 347-348, (2011).
- [23] Comprehensive nuclear test bant treaty (CTBT), art,XV, (1996).
- [24] Convention on continental self, art 12, (1958).
- [25] Convention on fisheries, art 19, 1958
- [26] Convention on refugees, art,12 1951,
- [۲۷] فلسفی، هدایت‌الله، حقوق معاهدات بین‌الملل فرهنگ نشر نو، ۳۳۵، (۱۳۹۳)
- [۲۸] آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «نظام حقوقی بین‌المللی مسئولیت مدنی در قبال خسارت هسته‌ای»، ترجمه‌ی صالح رضایی، انتشارات خرسندی، ص ۱۷، (۱۳۹۵).
- [29] Reprt of international law commission, sizty third session , P. 218, (2011).
- [30] Reprt of international law commission, sixty third sessions, 2, P. 347, (2011).
- [31] Vienna convention on law of treaties, art 20 (5), (1969).
- [32] Vienna convention on law of treaties, art 22 (1), (1969).
- [33] Vienna convention on supple mentary compensation of nuclear damage 1997, art XVI (3)
- [34] Repon of international law commission, P. 16, (2011).



- [35] Vienna convention on law of treaties, , article 2 (f) (g), (1969).
- [36] Report of international law commission, , P. 22, (2011).
- [37] Paris convention, 1960, art 18: Brussels convention, , art, 181963
- [38] Aust, Anthony, modern treaty law and practice, cambridge university press, 2000, P. 116-117
- [39] Vienna convention on law of treaties, , art, 20 (4) (b), (1969).
- [40] Dörr Oliver, schanalenbach, "Vienna convention on law of treaties; a commentary, springer, , P. 3782012
- [41] Vienna convention on law of treaties, 9 art 20 (4) (b), (1969).
- [42] Paris conventions, reservation, declaration, in [www.oecd-nea.org](http://www.oecd-nea.org)
- [43] Brussels convention, , declaration, reservation, in [www.oecd-nea.org](http://www.oecd-nea.org), (1963).
- [44] Vienna convention on civil liability for nuclear damage, declarations, reservations in [www.iaea.org](http://www.iaea.org) , (1969).
- [45] Brussels convention, reservations declarations, in <https://i-law.com>, (1971).
- [46] Convention on supplementary compensation, declarations, reservations in [www.iaea.org](http://www.iaea.org), (1997).
- [47] Aust, Anthony "treaty law and practice, cambridge university press, P. 102,(2000).
- [۴۸] آیین نامه، ماده‌ی ۱، (۱۳۷۱).
- [۴۹] آیین نامه، ماده‌ی ۷، (۱۳۷۱).
- [۵۰] ضیایی بیگدلی، «حقوق معاهدات»، انتشارات گنج دانش، ص (۱۳۸۹).